

بررسی فیلم Mortal Engines؛ شهرهای متحرک آخرالزمان - دیجیاتو

رسول خردمندی | چهارشنبه، ۲۱ آذر ۱۳۹۷

پس از اتمام سه‌گانه هابیت‌ها، نام پیتر جکسون کمتر شنیده می‌شد تا اینکه با تریلر و خبر ساخت فیلم Mortal Engines نام پیتر جکسون دوباره سر زبان‌ها افتاد. ولی این بار نه به عنوان کارگردان، بلکه در نقش تهیه‌کننده یک اثر. فیلم Mortal Engines اخیراً روی پرده نقره‌ای سینما به تصویر کشیده شد ولی شاید این سوال برای شما هم پیش بیاید آیا این فیلم فانتزی که نام پیتر جکسون را یدک می‌کشد توانسته از لحاظ کیفی یک اثر پرفروش و صد البته موفق باشد؟

- کارگردان: کریستین ریورز
- استودیو تهیه‌کننده: مدیا کپیتال رایتس، اسکولاستیک پروداکشنز، سیلورتانگ فیلمز
- بازیگران: هرا هلیمار، هیوگو ویوینگ، استفن لنگ
- بودجه: ۱۰۰ میلیون دلار

اجازه دهید همین ابتدای بررسی به این نکته اشاره کنیم قصه فیلم از زمانی به همین نام، به قلم فیلیپ ریو (Philip Reeve) برگرفته شده است. ماجرای این رمان و کاراکترهایش صرفاً محدود به همین قصه ۲ ساعته نیست و مخاطبین این رمان، در چهار جلد با دنیای استیم‌پانکی که «ریو» خلق کرده، آشنا شده‌اند. پیتر جکسون تقریباً در ده سال پیش، یعنی سال ۲۰۰۹ میلادی رسماً اعلام کرد اولین فیلم از این سری رمان محبوب در دست ساخت قرار دارد. به زبانی ساده‌تر می‌توان گفت نزدیک به ۱۰ سال طول کشید تا اولین فیلم از این سری به مرحله اکران برسد.

داستان در دنیای پساآخرالزمانی روایت می‌شود ولی این بار متفاوت از آن چیزی که تا به امروز تصور می‌کردیم. آخرالزمان در این جهان خیالی، تنها در شصت دقیقه رخ داده و بنا به وقایع طبیعی مثل زلزله و طغیان آتشفشان‌ها، کره زمین با خاک یکسان شد. بشر برای بقا دست به دامان دانشمندی به نام نیکلاس کرک شد که در نظر داشته شهر لندن را روی چرخ‌ها به حرکت در بیاورد و در بطن شهر، موتورهای غول‌پیکری قرار دهد تا شهر برای جنبش، جان بگیرد. اینگونه شد که شهر لندن به تحرک افتاد و شهرهای کوچک‌تر را یکی پس از دیگری نابود کرد تا در راس چرخه بقا باقی بماند. با این اوصاف تکنولوژی نیکلاس کرک بنا به دلایلی که هنوز در فیلم به آن اشاره درستی نشده، در دیگر قسمت‌های دنیا به جز قاره آسیا که اعتقادی به این تکنولوژی نداشته، منتقل شد تا شهرهای متحرک دیگری جهت مقابله با لندن تشکیل شود. مردمان آسیا سیاستی برخلاف آنچه غرب در پیش گرفته، در دستور کار خود قرار داده و در صدد ادامه همان جامعه قدیمی بشریت بودند.

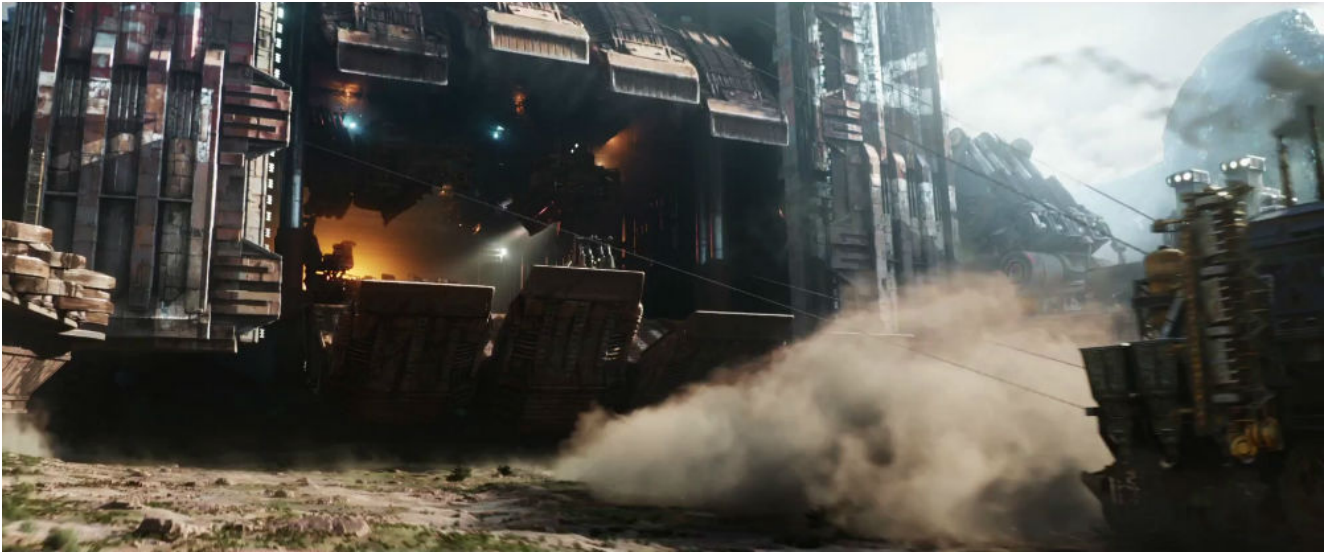


این گنده‌بک، شهر لندن تو دنیای آخرالزمانیست که در رمان Mortal Engines توصیف شده. شهر گول‌پیکری که روی چندین و چند چرخ حرکت می‌کند.

شخصیت‌های اصلی تک‌بعدی نیستند اما دیالوگ‌گویی‌ها به شدت کلیشه‌ای و چه بسا قابل پیش‌بینی از آب درآمده است.

جامعه‌ای که در لندن می‌بینیم به چهار فرقه تقسیم‌بندی شده است. عده‌ای تاجر هستند و عهده‌دار گرداندن چرخ اقتصاد. عده‌ای دیگر مهندس، که از نام‌شان مشخص است مسئولیت راه‌اندازی و جنبش شهر به گردن‌شان است. عده‌ای نیز ناوبر هستند تا مسیر درست را برای حرکت شهر شناسایی کنند. اما چهارمین و شاید پراهمیت‌ترین فرقه، مورخین باشند. افرادی که مسئولیت اکتشاف و جمع‌آوری اشیای مصنوعی و باستانی را بر عهده دارند. رهبر کل این شهر متحرک هم کسی نیست جز مگنوس کرام که ریاست فرقه مهندسین را نیز برعهده دارد.

و اما قصه از یک نبرد دیدنی و هیجان‌انگیز لندن گول‌پیکر با شهری کوچک‌تر آغاز شده و در همان سکانس ابتدایی، نطفه یک جریان پرتنش شکل می‌گیرد. در عرض چند دقیقه کاراکترها عرض اندام می‌کنند و ما تا حدودی در می‌بریم با چه شخصیت‌هایی روبه‌رو هستیم. جریان قصه با سو قصد هستر شاو (هرا هیلمار) به جان تادئوس ولنتاین، رئیس فرقه مورخین شروع می‌شود که یک مورخ تازه‌کار و نوجوان به نام تام ناتس‌ورتی (رابرت شیهان) به دنبال هستر می‌فتد. دخترک در آخرین ثانیه‌های فرار، اطلاعاتی مختصر از خودش می‌دهد که تام با منعکس کردن این اخبار به ولنتاین، رسماً امضای مرگ خودش را امضا کرده و ولنتاین وی را از لندن به بیرون پرتاب می‌کند. هدف قصه فیلم در بازگشت دو کاراکتر تام و هستر به لندن و انتقام از ولنتاین خلاصه می‌شود.



شهر لندن برای تامین میزان سوخت برای حرکت، سایر شهرهای کوچکتر را می‌بلعد. نمایی از بلعیدن را در این قاب تصویر می‌توانید مشاهده کنید.

استیم‌پانک، به عنوان یک زیر ژانر بسیار پرطرفدار ژانر علمی تخیلی محسوب می‌شود و فیلم Mortal Engines با تمرکز بر ویژگی‌های این زیر ژانر توانسته یک اثر قابل قبول باشد. هر چند این فیلم کمی به سبک سایبرپانک نیز شباهت دارد. چرا که این زیر ژانر علمی تخیلی، بر حوادثی در آینده دلالت دارد و معمولا در بطن ماجرا، دو جامعه با سطح بالا و پایین در کنش و واکنش با یکدیگر حضور دارند. گویا نویسنده این رمان سعی کرده از عناصر هر دو زیر ژانر برای قصه‌گویی‌اش بهره ببرد ولی برخلاف رمان، چهره لندن بیشتر همان پوسته استیم پانک را می‌پذیرد و کارگردان تلاش می‌کند فیلم در این راستا پرورش یابد.

تعامل بین تام و هستر در اوایل کمی شتابزده بوده اما وقتی هستر به تدریج قصه زندگی‌اش را برای تام تعریف می‌کند، شخصیت‌پردازی‌ها جنبه دیگری پیدا می‌کنند. این همان چیزی است که شخصیت‌های اصلی دنیای فیلم Mortal Engines را از دیگر فیلم‌های علمی تخیلی جدا می‌کند. شخصیت‌های اصلی تک‌بعدی نیستند و ما علاوه بر ظاهر، شاهد بُعد درونی و باطن دو شخصیت اصلی داستان نیز هستیم. با این اوصاف دیالوگ‌گویی‌ها به شدت کلیشه‌ای و چه بسا قابل پیش‌بینی از آب درآمده است. لذا سناریوی این ماجرا چندان بی‌نقص نیست.



شکل و شمایل هستر شاو متفاوت با آن چیزی است که فیلیپ ریو در رمان توصیف کرده. سناریونویس‌های این فیلم ترجیح دادند با انجام یک عمل جراحی پلاستیک، هستر از نقص عضو رنج نبرد!

برگ برنده فیلم *Mortal Engines* را می‌توان در حضور سایمون ریبی در نقش سینماتوگرافر دانست.

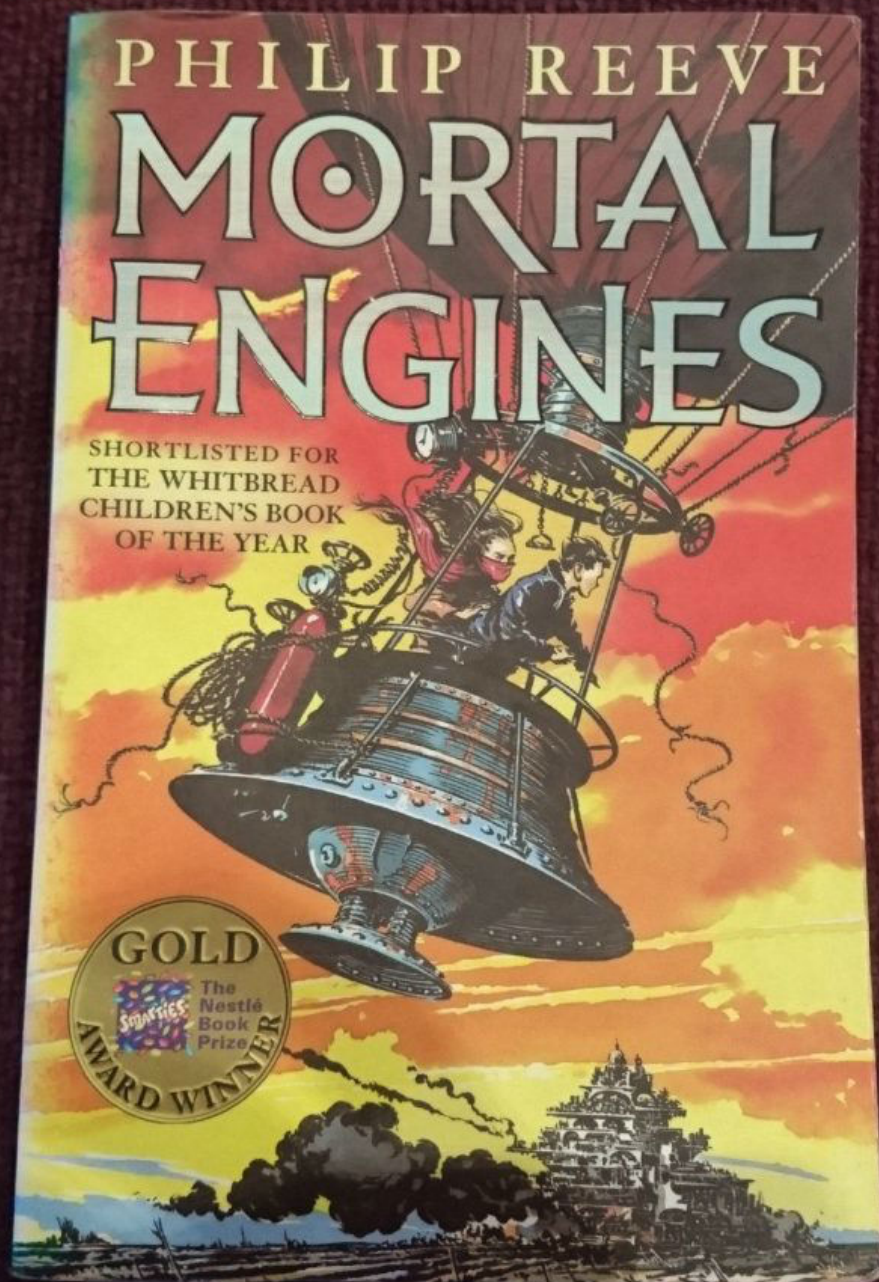
سینماتوگرافی فیلم *Mortal Engines* آشنا به نظر می‌رسد و در هنگام تماشای فیلم حس می‌کنید گویا قبلاً این نوع سبک فیلم‌برداری و ثبت تصاویر را تجربه کرده‌اید. در لیست دست‌اندرکاران و عوامل فیلم، نام «سایمون ریبی» (Simon Raby) به عنوان سینماتوگرافی این فیلم به شدت آشنا است. او همان فرد توانمندیست که پیش از این پروژه، در کنار پیتر جکسون دوست‌داشتنی توانسته شاهکار ارباب حلقه‌ها را به ثمر برساند. یک سینماتوگرافر خوش‌ذوق که آرزوی هر کارگردانی است این چنین شخصیتی در کنارش حضور داشته باشد تا زوایای خلاقانه‌ای را برای ثبت هر نما در نظر بگیرد. برگ برنده فیلم *Mortal Engines* را می‌توان در حضور سایمون ریبی دانست و گرنه سناریوی ماجرا نه اینکه بد باشد ولی آنچنان قدرتمند نیست که از این فیلم، در کنار آثار شاهکار و ماندگار ژانر علمی تخیلی یاد کنیم.

جالب است که ادای دیالوگ‌ها بیشتر بر جذب مخاطب کم سن و سال دلالت دارد تا یک فرد بزرگسال و با اینکه رده‌بندی فیلم بالای ۱۳ سال تعیین شده، ولی مخاطبین سینما حتی در سنین بالاتر نیز می‌توانند با کاراکترهای فیلم ارتباط برقرار کنند. قصه انقدر کشش دارد تا ما را با سه جریان این فیلم همراه سازد. جریان اول که مرتبط است با ماجراجویی‌های تام و هستر؛ جریان دوم به کاترین، دختر ولنتاین ربط دارد تا توطئه‌ای را در لندن افشا کند و جریان سوم و مهم‌تر که به «شرایک»، هیولای روباتیکی می‌پردازد که بنا به دلایلی نامعلوم در نیمه ابتدایی فیلم به دنبال



شرایک، شخصیتی نیمه رباتیک که یک تنه جور شخصیت‌پردازی سطحی ولنتاین که قرار بود ابرشخصیت منفی این فیلم باشد را کشید.

استفن لنگ با ایفای نقشش در قالب شخصیت شرایک شاید یکی از آسان‌ترین نقش‌های چند سال اخیرش را پذیرفته ولی جالب است بدانید قدرت تاثیرگذاری‌اش در سناریو و پیشرفت داستان به مراتب بهتر از ولنتاین عملکرد داشته است. ولنتاینی که قرار بود یک شخصیت منفی منفور و بدنام در باطن و یک رهبر آینده‌نگر و دلسوز شهر لندن در ظاهر باشد ولی به علت شتابزده بودن ماجرا و عدم اختصاص یافتن سکانس‌های بیشتری به وی، شخصیت ولنتاین به آن تکاملی که دوست داشتیم نرسید. البته ایراد از هیوگو ویوینگ، بازیگر این نقش نیست. چرا که بارها به مخاطبین سینما خودش را در طول تاریخ ثابت کرده و هنرنمایی‌هایش در نقش مامور اسمیت در سری فیلم‌های ماتریکس، «الروند» در سری فیلم‌های ارباب حلقه‌ها و حتی «وی» در فیلم V for Vendetta کلاس درسی است برای آموزش به هنرجویان رشته بازیگری. ایراد دقیقا از همان جایی آب می‌خورد که در طی سناریو، سکانس‌های مربوط به ولنتاین بسیار سطحی و شتابزده از آب درآمده است.



فیلیپ ریو در ابتدا رمان *Mortal Engines* را برای بزرگسالان به رشته تحریر درآورد اما انتشارات، این مضمون داستانی را مناسب برای کودکان و نوجوانان دانست و در نهایت «ریو» مجبور شد رمان چهار جلدی خودش را بر پایه این جامعه هدف بنا کند. رمان «موتورهای فانی» با ایده‌ای ناب در سبک علمی تخیلی توانست در سال ۲۰۰۲ میلادی جوایز ریز و درشت زیادی را درو کند. «ریو» به همه ثابت کرد مهم جامعه هدف نیست، بلکه آنچه باقی می‌ماند سبک نوشتار و مضامینی است که جوهره و صد البته شاکله یک رمان را تشکیل می‌دهد.

زوج موفق فرن والش و فیلیپا بونز در نقش نویسندگان سناریو، جزو افراد تاثیرگذار در اکیپ پیتر جکسون هستند ولی جای تعجب دارد که این دو نویسنده زنده و باتجربه نتوانستند کاراکترهای درون رمان را به خوبی استخراج و به تصویر بکشند. یکی از علامت سوال‌هایی که برای [سایر منتقدین](#) نیز شکل گرفته در ناکارآمد بودن ترکیب تیم نویسندگان است. آیا دخالت‌های پیتر جکسون در روند سناریونویسی باعث شده این اثر بیش از حد نوجوان‌پسندانه باشد؟ یا برعکس؟

در هر صورت فیلم Mortal Engines اثری است قابل احترام که پس از تماشای آن احساس ندامت و عذاب وجدان ندارید که دو ساعت از وقت گران‌بهای خودتان را صرفاً جهت تجربه تماشای این اثر سینمایی تلف کرده‌اید. پیتر جکسون تلاش کرد تا تیم موفق و کاربلد همیشگی خودش را مجدد روی کار بیاورد تا فیلم Mortal Engines به یک شگفتی دیگر در دنیای سینما و ژانر علمی تخیلی تبدیل شود اما به نظر می‌رسد کارگردان اشتباهی برای این اثر جاه‌طلبانه انتخاب شد. آخر کریستین ریور را چه به کارگردانی وقتی حتی یک فیلم بلند در کارنامه‌اش ندارد. به احتمال قوی کارگردانی فیلم Mortal Engines 2 مجدد به یک متخصص و کارشناس جلوه‌های بصری واگذار نخواهد شد. آیا در پروژه‌های بعدی پیتر جکسون خودش وارد عمل خواهد شد؟ در هر صورت امیدواریم دوباره ۱۰ سال برای تماشای فیلم بعدی سماق نمکیم.

[دیجیاتو](#)